

خلاصه:

خلاصه:

قال دوکنز: «وانا اقترح هنا أن الحاجة والدافع هو نفسه بالنسبة للطف والطيبة والايثار والكرم والتعاطف والرافة. وفي ايام الاسلاف كانت لدينا فرصة لنكون ايثاريين فقط بالنسبة للاقرباء ومن يعتقد انه سيبادلنا المعروف. وفي ايامنا هذه لم تعد تلك القيود موجودة لكن القاعدة بقت».

داوकिनز می گوید : « نظر من این است که همین نکته در مورد میل به نیکی کردن، سخاوت، شفقت و ترحم نیز صادق است. نیاکان ما فقط مجال داشته اند که به خویشان نزدیک و قدرشناسان بالقویشان نیکی کنند. امروز دیگر این محدودیتها وجود ندارد، اما این قاعده نیکی کردن همچنان پابرجا است».

قد تبين أن اقتراح دوکنز هذا الذي يحاول أن يفسر به الأخلاق والإيثار الحقيقي بلا قيمة، فالقيود موجودة دائماً؛ لأن ما بنته الجينات في أجسامنا هو إيثارنا لأقاربنا لأنهم أقاربنا ونحن نميزهم بدقة بصفاتهم أنهم أقاربنا، وليس لأنهم قريبون مكاناً منا أو لأنهم على احتكاك مباشر بنا ليتحول إيثار الأقارب إلى كل قريب مكاناً منا، وأيضاً مسألة إيثار المبادلة بالمثل يتحكم به منهج الحقوق الذي يعطي وينتظر نتيجة المقابل فإن رد بالمثل والإلا قطع عنه وهذا أمر بنته الجينات ولا يتغير إلا جينياً فلا يتغير لمجرد تغير نظام الحياة.

در بخشهای قبلی مشخص شد که این نظر داوकिनز که طی آن می‌کوشد اخلاق و ایثارگری واقعی را تفسیر کند، ارزشی ندارد. محدودیتها همواره وجود دارد؛ زیرا آنچه ژنها در بدن ما کار گذاشته‌اند، ایثارگری ما نسبت به خویشاوندانمان است، از آن رو که آنها قوم و خویش ما هستند و ما با استفاده از ویژگیها و صفاتشان آنها را از دیگران تشخیص می‌دهیم، نه به

این علت که آنها از نظر موقعیت مکانی به ما نزدیک هستند یا به این خاطر که آنها به طور مستقیم با ما تماس دارند. تا به این ترتیب ایثار خویشاوندی به هر کس که از نظر موقعیتی به ما نزدیک است، تعمیم داده شود! همچنین قضیه ایثارگری متقابل تحت سیطرهء مرام حسابگر می باشد که می بخشد و از آن سو منتظر واکنش طرف مقابل است. اگر لطفش را جبران کرد که هیچ وگرنه دیگر به او محبت نمی کند. این رفتار را زن ها پدید آورده اند و اگر قرار باشد تغییری در آن صورت گیرد، این تغییر، ژنتیکی خواهد بود و به مجرد تغییر شیوهء زندگی، این فرآیند دستخوش تغییر نمی شود.
